

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتاد و دوم

زمستان ۱۳۹۶

بازخوانی مهدی انگاری زیدبن علی؛ بسترشناسی و فرایندشناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۱۲

محمد رضا بارانی^۱

بازشناخت چرایی و چگونگی مهدی انگاری زیدبن علی (۱۰- ۲۲ق) از سوی برخی از هواداران او، موضوع اصلی پژوهش پیش روست که از کارکردهای اجتماعی ویژه‌ای در همان زمان، و در بسترسازی برای بارورشدن این اندیشه در میان زیدیان در دوره‌های بعد برخوردار بوده است. این نوشتار با بهره‌گیری از منابع معتبر و تحلیل داده‌ها، تلاش می‌کند تا تصویری از روند مهدی انگاری زید را با توجه به بسترها و عناصر تشکیل دهنده این باور ارائه کند. به نظر می‌رسد، هم‌زمان با ظهور زید در کوفه، اندیشه مهدویت در میان برخی از هواداران او به شکل جدی مطرح شد و با توجه به میراث حدیثی موجود، زید را عنصری یاری‌شده از سوی خداوند و شکست‌ناپذیر، یعنی «منصور» دانستند و سپس، در همان زمان، زید به عنوان یک فاطمی مبارز، نامزد عنوان «مهدی» گردید که با شکست و نمایش پیکرش در کوفه، این اندیشه در کوتاه‌مدت روند ایستایی پیدا کرد.

کلیدواژگان: مهدی‌باوری، موعودگرایی، زیدیه، زیدبن علی، فرق اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه): m.barani@alzahra.ac.ir

مقدمه

شخصیت و قیام زیدبن‌علی، تاکنون از منظرهای گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که زیدیان و باورهایشان، سهم قابل توجهی را در نگاشته‌های نویسندگان زیدی و غیر زیدی، به خود اختصاص داده‌اند؛ اما نوشته‌های اندکی، با نگاه مهدوی به زیدی و زیدیه پرداخته است.

این در حالی است که بررسی اندیشه مهدویت مقارن با عصر ظهور زید، از چند جهت ضروری است؛ نخست آنکه این باور، در قیام وی تا به اندازه‌ای اثرگذار بوده است. همچنین، گرایش به مهدویت بعدها در قیام‌های زیدیان دیگر چون: نفس زکیه^۱ (م ۱۴۵ق)، محمدبن قاسم^۲ (م.ح ۲۱۹ق) و یحیی‌بن‌عمر^۳ (م ۲۵۰ق) امتداد یافت. به همین جهت، بازنمایی اولین جلوه‌گاه‌های آن برای روشن‌شدن نقاط شروع این باور در میان

۱. محمدبن‌عبدالله‌بن‌حسن مثنی، ملقب به نفس زکیه، از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام است که در مدینه و در زمان منصور عباسی دست به قیام زد و کشته شد؛ چنان‌که برخی در همان زمان، او را مهدی می‌دانستند. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک: ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۰۶ - ۲۶۲.
۲. محمدبن قاسم، از نوادگان امام سجاد علیه السلام در خراسان و منطقه طالقان قیام کرد که سرانجام، شکست خورد و روانه زندان معتصم (۲۲۷ - ۲۱۸ق) گردید. در سرنوشت او، اختلاف است. برای اطلاعات فزون‌تر، ن.ک: طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۷ - ۸؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۱ - ۴۷۲؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۴ - ۴۶۵؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۴ - ۴۷۳.
- پیرامون مهدی‌انگاری او، ن.ک: اشعری، *مقالات الإسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ حمیری، *الحوار العین*، ص ۱۵۶.
۳. یحیی‌بن‌عمر، از نوادگان زید در سال ۲۵۰ هجری قمری در کوفه قیام کرد و پس از تصرف شهر و پیروزی‌های اولیه، از سپاه عباسی شکست خورد و در معرکه جان سپرد. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک: طبری، *تاریخ طبری*، ج ۹، ص ۲۶۶ - ۲۷۱؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۹۷؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۶۳ - ۶۸؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۰۶ - ۵۲۱. در مورد مهدی‌انگاری او، ن.ک: مفید، *الفصول العشرة*، ص ۱۱۰؛ اشعری، *مقالات الإسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ حمیری، *الحوار العین*، ص ۱۵۶.

زیدیان، ضروری است؛ چنان که با توجه به اینکه مهدی باوری برای نخستین بار توسط رهبر یک قیام نظامی به کار می‌رفت، می‌توانست ابعاد مهدویت را در جامعه آن روز گسترش دهد. بنابراین، روشن شدن ویژگی‌های مهدی باوری در این عصر، می‌تواند در حوزه تاریخ فکر نیز بسیار پُراهمیت باشد. در ضمن، شاید این تحقیق بتواند به تبیین شرایط سیاسی - فکری جامعه آن روزگار و تعیین مرزهای نفوذ اندیشه مهدویت در نیمه نخست قرن دوم، قدمی رو به جلو بردارد.

قلمرو موضوعی این تحقیق، دربردارنده مباحث مرتبط با مهدویت همچون: «منصور»، غیبت و تا حدی نشانه‌های ظهور خواهد بود؛ اما تلاش نگارنده بر آن است که نوشتار پیش رو، به اثری شخصیت‌نگار بدل نگردد. از این رو، کمتر به شرح حال و جزئیات قیام زید پرداخته شده است. ناگفته نماند که نویسنده این سطور، چندان به دنبال کشف و اثبات تمایل نامزد عنوان مهدی نسبت به مهدویت خویش نبوده و تمرکز مباحث، بر باورهای مهدوی هواداران اوست. گفتنی است، تحقیق حاضر تا شهادت زید را هدف‌گذاری نموده است؛ هرچند واکنش‌ها نسبت به مهدویت او، تا اندکی بعد از شکست قیام، رصد شده است.

ناگفته نماند که مراد از «زیدیه» که گهگاه در این تحقیق از آن یاد می‌گردد، صرفاً گروهی نیست که در کتاب‌های فرقه‌نگاری ذیل عنوان زیدیه قرار گرفته و احیاناً به فرقه‌های کوچک‌تر تقسیم شده است؛^۱ بلکه هواداران حرکت او نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ گروهی که بعدها عقاید و چهارچوب‌های مشخصی برای خویش تعریف کرد.^۲

۱. برای نمونه: نوبختی، فرق الشیعة، ص ۵۴ - ۶۱؛ اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۷۱ - ۷۴؛ ناشی اکبر، مسائل الإمامة، ص ۲۰۰ - ۲۰۳؛ اشعری، مقالات الإسلامیین، ص ۶۵ - ۷۵؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۲ - ۲۶؛ شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۸۹؛ حمیری، حور العین، ص ۱۸۴ - ۱۸۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر پیرامون عقاید و اصول فکری زیدیه، ن.ک: سید علی موسوی‌نژاد، «آشنایی با زیدیه». مجله هفت آسمان، ش ۱۱، ص ۷۹ - ۱۰۲.

بنابراین، پژوهش پیش‌رو، متکفل بازنمایی مهدی‌باوری در میان هواخواهان نخستین زید و حتی قبل از آغاز مرام‌نامه و آثار حدیثی و کلامی گوناگون آنان می‌باشد؛ همچنان‌که «بسترشناسی» در اینجا به معنای شرایط مکانی و یا زمانی و همچنین، برخورداری زید از برخی شاخصه‌هایی از مهدویت است که به مهدی‌انگاشتن او کمک می‌کرد. «فرایندشناسی» نیز به روند مهدی‌باوری زید پرداخته است و بعد از گذر از منصورانگاری او، به سنخ باور به مهدویت زید و پیامدهای شکست خواهد پرداخت.

با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی این تحقیق، آن است که: زیدبن‌علی چرا و چگونه در نظر برخی از هوادارانش به عنوان مهدی شناخته شد؟ چنان‌که پرسش‌های دیگر نوشتار پیش‌رو، عبارت‌اند از: بسترها و شرایط زمانی و مکانی مهدی‌انگاری زید از چه قرار است؟ مهدویت زید برای هواداران او در آن زمان چه تعریف و جزئیاتی داشته است؟ نگاه برخی از شیعیان هواخواه زید به رهبر قیام کوفه قبل از اتصاف به عنوان مهدی، تا چه اندازه از خصوصیات مهدوی بهره می‌گیرد؟ مفاهیمی چون: غیبت، انتظار، نشانه‌های ظهور و امثال آن در میان شیعیان متمایل به زید، مقارن با قیام او از چه جایگاهی برخوردار است؟

فرض نگارنده، بر آن است که مهدی‌باوری در میان برخی از شیعیان هوادار زید که بعدها عنوان «زیدیه» را به خود گرفتند، هم‌زمان با جنبش زید شکل گرفت. این انگاره با توجه به بستر مکانی و زمانی مناسب و برخورداری زید از برخی مؤلفه‌های مهدوی، به سرعت در میان هواخواهانش تقویت شد. از این‌رو، این باور بسیط، زید را رهبری می‌دانست که با بهره‌گیری از عنوان منصور و سپس مهدی، می‌تواند بدون تجربه شکست و با یاری از خداوند، به ستم‌امویان پایان دهد و شیعیان، به‌ویژه علویان کوفه را به شکوه و فرمانروایی برساند؛ هرچند با شکست و نمایش پیکر بی‌جان زید، اعتقاد به مهدویت او نیز به خط پایان خود رسید.

برای بررسی این فرضیه، به منابع قابل توجهی در حوزه‌های تاریخ، کلام، حدیث و مانند آن مراجعه گردید که نکات قابل توجهی را در باره نخستین باورهای مهدوی زیدیان از خود به جا گذاشته‌اند. در این مجال، از آوردن مطالب کامل خودداری گردیده و تنها نشانی مأخذ آورده شده است؛ اما زمانی که به تناسب بحث از یک شخصیت، زمان و مکان خاص و یا موضوع ویژه‌ای یاد می‌شود، به نگاشته‌های مرتبط جهت مطالعه افزون‌تر ارجاع داده خواهد شد. بایسته یادآوری است که نویسنده در مقام داوری برخی از داده‌های تاریخی، کلامی و حدیثی نبوده و تنها سعی شده تا تصویری کامل در مورد موضوع بنگارد.

پیشینه این تحقیق را می‌توان در سه حوزه جست‌وجو کرد:

دسته نخست، تألیفاتی است که پیرامون زیدیه و یا مهدویت نگاشته شده است. این آثار، با وجود ارزش علمی و ارائه اطلاعات ارزشمند کلی، به سبب عدم ارتباط مستقیم با موضوع بحث، کارکردی مقدماتی داشته و مانعی برای قلم‌زدن در مورد بسترها و فرایند مهدی‌انگاری زید نبوده است.

دسته دوم، آثاری را دربرمی‌گیرد که از سوی نویسندگان زیدی^۱ و یا دیگران، در مورد زید و در قالب کتاب^۲ یا مقاله^۳ نگاشته شده و زندگی و قیام او را از منظرهای گوناگون

۱. برای نمونه، ن.ک: ابوزهره، الامام زید حیاة وعصره آرائه و فقهه؛ سالم عزان، الامام زید بن علی علیه السلام شعله فی لیل الاستبداد؛ مؤیدی، الامام زید بن علی علیه السلام قدوة المستبصرین.

۲. به عنوان نمونه، ن.ک: امین، «ابوالحسین زید الشهید»؛ موسوی مرقم، «زید الشهید»؛ شریف القرشی، «حیاة الشهید الخالد زید بن علی علیه السلام»؛ تمیمی، «زید بن علی علیه السلام»؛ حاتم، «زید بن علی و مشروعیة الثورة عند اهل البیت»؛ کریمان، «سیره و قیام زید بن علی علیه السلام»؛ رضوی اردکانی، «شخصیت و قیام زید بن علی علیه السلام».

۳. برای مثال، ن.ک: جرافی صنعانی، عبدالله، «زید بن علی»، مجله رساله الاسلام، ۱۳۶۸ق، ش ۲، ص ۱۹۸ - ۲۰۵؛ رجبی، «زید بن علی بن الحسین»، مجله مشکوة، ش ۳۱، ص ۱۳۵ - ۱۴۵؛ خیرالله، «فرقه زیدیه و ارتباط آنها با زید بن علی علیه السلام»، ترجمه اسعدی و کاظمی، مجله معرفت، ش ۸۶، ص ۴۹ - ۵۴؛ بختیاری، «عملکرد عباسیان در قبال قیام‌های ضد اموی زید و یحیی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء علیها السلام، ش

مورد بررسی قرار داده است. این آثار نیز با آنکه اطلاعات تاریخی ارزشمندی را از جزئیات شخصیت و حرکت زید ارائه می‌کند، کمتر به موضوع مهدویت زید پرداخته است. دسته سوم، تحقیقاتی است که به موضوع مهدویت در میان زیدیان توجه نموده و در سالیان اخیر، کتاب‌ها،^۱ پایان‌نامه‌ها^۲ و یا مقالاتی^۳ در این موضوع به صورت اختصاصی و یا در ضمن موضوعات دیگر منتشر شده که با وجود اطلاعات ارزشمند، بازه زمان تنگ‌تر و یا گسترده‌تری را مورد بحث قرار می‌دهد. در توضیح، باید گفت که برخی کل فرقه‌های شیعه را مورد توجه قرار داده‌اند که در بخشی کوتاه به مهدویت در زیدیه نیز توجه شده است؛^۴ چنان‌که برخی از آثار، به نامزدهای مهدی در زیدیان توجه نموده‌اند و واکاوی اندیشه مهدویت در آن‌ها، بسیار کم‌رنگ است.^۵ در این میان،

۶۵، ص ۱ - ۲۰؛ کمساری، «زیدبن‌علی بن‌الحسین علیه السلام؛ شهید قرآنی»، مجله مبلغان، ش ۱۶۰، ص ۴۸ - ۵۶؛ فرجامی، «زیدبن‌علی به روایت عمروبن‌خالد در منابع امامی»، مجله آینه پژوهش، ش ۱۳۵ و ۱۳۶، ص ۹۴ - ۹۸؛ اعتصامی، «زیدبن‌علی بن‌الحسین علیه السلام و مسئله امامت»، مجله امامت‌پژوهی، ش ۱۰، ص ۱۵۵ - ۱۸۲.

۱. به عنوان نمونه: مظفری ورسی، جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی، ص ۴۷ - ۶۰.
۲. برای نمونه: خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹ش؛ قاریان، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، حوزه علمیه، ۱۳۹۵ش.
۳. به عنوان نمونه: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، مجله هفت آسمان، ش ۲۷، ص ۱۲۷ - ۱۶۲؛ فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۹۷ - ۳۰۰؛ جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۱۴ - ۴۲۲؛ موسوی‌نژاد و موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زیدبن‌علی»، مجله انتظار موعود، ش ۴۸، ص ۹۵ - ۱۱۶.
۴. به عنوان نمونه: مظفری ورسی، جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی، ص ۴۷ - ۶۰.
۵. برای مثال: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، مجله هفت آسمان، ش ۲۷، ص ۱۲۷ - ۱۶۲؛ فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۹۷ - ۳۰۰؛ قاریان، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، حوزه علمیه، ۱۳۹۵.

آثاری نیز وجود دارند که تا حدی تلاش کرده‌اند جایگاه مهدی‌باوری در میان زیدیان را بازنمایی کنند؛^۱ اما چندان به طلیعه‌های نخستین مهدی‌باوری و ویژگی‌های آن در زیدیان نپرداخته‌اند و در خصوص مهدی‌انگاری زید با رویکردی بسترشناسانه و با نگاهی فرایندی به بحث نپرداخته‌اند. تنها مقاله‌ای که تا اندازه‌ای به صورت مستقیم با موضوع این تحقیق ارتباط دارد، اثری با عنوان «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زیدبن علی» است^۲ که با وجود ارزش علمی، بیشتر تمرکز اثر بر نامزد عنوان مهدی بوده و کمتر به اندیشه مهدویت و ویژگی‌های آن در این دوره پرداخته است و خالی از نگرشی جامع بر آموزه مهدویت و یا تأکید بر بسترها و روند آن در دوران حیات زید است. از این رو، با توجه به آثار یادشده، از انجام این تحقیق بی‌نیاز نخواهیم بود.

۱. بسترشناسی مهدی‌انگاری زید

از نکات مهم در مورد مهدی‌انگاری زید، توجه به بستر مناسبی است که این باور را در برخی از هوداران او به وجود آورد که زید می‌تواند همان موعودی باشد که در میراث حدیثی اسلامی بر آن تأکید شده بود. به نظر می‌رسد، زمینه‌های مهدی‌باوری زید از قرار ذیل است:

۱. به عنوان نمونه: خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹؛ جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۱۴ - ۴۲۲.

۲. موسوی‌نژاد و موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زیدبن علی»، مجله انتظار موعود، ش ۴۸، ص ۹۵ - ۱۱۶.

۱-۱. بستر مکانی

زید برای حرکت خود، کوفه را انتخاب کرد و در این شهر دست به قیام مسلحانه زد؛^۱ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در مهدی‌انگاری او مؤثر بود؛ زیرا علاوه بر حضور پُررنگ شیعیان در کوفه و علاقه‌مندی و اهتمام بیشتر آنان به موضوع مهدویت،^۲ اهل کوفه با توجه به پیشگویی‌ها،^۳ به ظهور مهدی از میان خود امید داشتند؛ چنان‌که کیسانیان که از باورمندان به مهدویت محمدبن‌حنفیه (م ۸۱ق) بودند،^۴ تمرکز فعالیت‌های خود را عراق قرار داده بودند.^۵ به همین جهت، این بستر مناسب سبب شد تا اهل کوفه به سراغ زید آمده، از مهدویت او سؤال کنند.^۶

۲-۱. بستر زمانی

از دیگر مسائل قابل توجه در مهدی‌انگاری زید، توجه به شرایط زمانی است که حرکت و قیام او شکل گرفت. وی در اواخر عهد هشام‌بن‌عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ق) دست به قیام زد و سبب قیام خود را ظلم و ستم امویان عنوان کرد؛^۷ موضوعی که شاید اساسی‌ترین

-
۱. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۵۰؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۳۲؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۶.
 ۲. جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۱۴ - ۴۲۲.
 ۳. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۶، ص ۸۹؛ ابن‌ابی‌شیبه، المصنف، ج ۱۳، ص ۳۶۴؛ ابن‌فقیه، البلدان، ص ۲۰۱.
 ۴. برای اطلاعات بیشتر در باره مهدی‌باوری در کیسانیه، ن.ک: قاضی، کیسانیه فی التاریخ والأدب؛ بردران، تطور باور به مهدی و مهدویت از دیدگاه کیسانیه، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۲.
 ۵. أخبار الدولة العباسیة، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.
 ۶. مجموع کتب و رسائل زیدبن‌علی، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدرسی، ص ۳۶۰؛ ابن‌حمزه، العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۱.
 ۷. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۷.

کارکرد مهدویت را در درون خود داشته باشد؛ چراکه مهم‌ترین ویژگی مهدی در روایات، ظهور در جامعه‌ای آکنده از ستم و برقراری عدالتی فراگیر است که در منابع فریقین به صورت گسترده رخ نموده است؛^۱ چنان‌که ظهور مهدی‌هایی چون محمد بن حنفیه و اهتمام کیسانیان بر مهدویت او،^۲ بر توجه بیش‌ازپیش به مسئله مهدویت افزود.

۱-۳. برخورداری زید از برخی مؤلفه‌های مهدوی

در کنار شرایط مناسب زمانی و مکانی، بهره‌مندی زید از پاره‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر مهدویت نیز در مهدی‌انگاری او بسیار مؤثر بود که می‌توان به «فاطمی بودن»، «کنیز زادگی» و «قیام مسلحانه» اشاره کرد.

در توضیح این سه مؤلفه باید گفت که یکی از مهم‌ترین امتیازات زید، فاطمی بودن اوست که روایات بسیاری مهدی را از نسل حضرت زهرا علیها السلام^۳ و یا از نسل ایشان و

۱. به عنوان نمونه، در منابع اهل سنت: احمد بن حنبل، مسند/احمد، ج ۱۷، ص ۳۰۹ - ۳۱۰، ۳۲۱، ۴۱۶، ۴۲۶ - ۴۲۷؛ همان، ج ۱۸، ص ۶۱ - ۶۲ و ۲۰۵؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۳، ص ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۷ و ۸۸؛ ابی یعلی، مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۲۹۷۲، ۲۹۹۷، ۲۹۹۸ - ۲۹۹۹، ۳۰۹۸ - ۳۰۹۹؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳، ۳۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۸؛ همان، ج ۲، ص ۳۷۷، ۳۷۸ و ۳۹۴؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۰ و ۳۴۱؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰ و ۴۲۵.

۲. برای اطلاعات بیشتر در باره مهدی باوری در کیسانیه، ن.ک: قاضی، کیسانیه فی التاریخ والأدب؛ برداران، تطور باور به مهدی و مهدویت از دیدگاه کیسانیه، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۲.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۸؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۹، ص ۴۷۴ - ۴۷۵؛ طبری، آملی کبیر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، ص ۶۱۳؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۵ - ۱۸۶، ۱۸۷ - ۱۸۸؛ طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة، ص ۴۴۳ - ۴۴۴؛ ابن حماد، الفتن، ص ۲۶۱، ۲۶۶ و ۲۶۷؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۹۳؛ همان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۸؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۹۳۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۰۹۹ - ۳۱۰۰.

حضرت علی علیه السلام^۱ می‌دانست؛ نکته‌ای که طرفداران مهدویت محمدبن‌حنفیه نمی‌توانستند از آن بهره‌گیرند. از این‌رو، فاطمی‌بودن زید، شرایط مساعدی را برای مهدی‌انگاری او مهیا می‌کرد.

از سوی دیگر، کنیززادگی زید^۲ نیز سبب می‌شد تا او شایسته تصدی عنوان مهدی گردد و بر احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله^۳ و یا امیر مؤمنان علیه السلام^۴ تکیه می‌شود که مهدی را کنیززاده می‌داند؛^۵ چنان‌که در حدیثی، راوی، زید را با توجه به کنیززاده بودن، مدعی مهدویت می‌خواند که با واکنش امام صادق علیه السلام روبه‌رو می‌شود.^۶ در هر حال، این مسئله شاید بعدها و با ظهور نفس زکیه، به دست فراموشی سپرده شد؛ چراکه او خود را با توجه به نبودن کنیز در میان مادران خویش، شایسته خلافت و حکومت می‌دانست.^۷ حتی برخی گزارش‌ها، وی را به سبب همین خصوصیت، شایسته اتخاذ عنوان مهدی می‌دانند.^۸ بنابراین، زید که با برخورداری از شرایط فوق دست به قیام مسلحانه زد، مورد توجه بسیاری قرار گرفت و باور به مهدویت او تقویت شد؛ چراکه مهدی، بیشتر در مورد شخصی است که در صحنه‌ای پُر از ظلم، به یک‌باره ظاهر شده و با غلبه بر مخالفان، به اقامه عدل خواهد پرداخت و در بسیاری از روایات، از عنوان خروج برای حرکت مهدی استفاده شده است.^۹

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۹ - ۵۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۵۷ - ۵۸.
۲. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۵۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۳۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۶۴۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.
۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷۵ - ۲۷۶.
۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۰.
۵. قزوینی، الإمام المهدی علیه السلام من المهدی الی الظهور، ص ۴۵۰.
۶. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹.
۷. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۶۸.
۸. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.
۹. محمدی مظفر، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی». مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۷۵.

۲. فرایندشناسی مهدی انگاری زید

شاید بتوان در یک نگاه فرایندی و تطوری به مهدی انگاری زید، چنین گفت که زید در ابتدا و قبل از آنکه به عنوان مهدی در نزد برخی از هواداران خود مطرح باشد، نامزد تصدی عنوان منصور گشت؛ یعنی فردی که از جانب خدا یاری می‌شود و در نتیجه، رنگ شکست را نخواهد دید؛ اما در ادامه، زید در نگاه برخی، همان مهدی منتظری شد که در میراث نبوی به جای مانده بود. برای تبیین این موضوع، این بخش را در دو ریز عنوان «منصور انگاری زید» و «مهدی باوری زید» پی خواهیم گرفت.

۱-۲. منصور انگاری زید

اولین موضوعی که در باره مهدویت در دوران زید رخ می‌نماید، واژه «منصور» است. این کلمه، لقبی است که در مورد زید به کار رفته و با این شعار، حرکت او آغاز گشت؛^۱ همچنان که در قیام‌های قبل از آن، چون مسلم بن عقیل (م ۶۰ ق)^۲ و مختار (م ۶۷ ق)^۳ نیز دیده می‌شود و حتی می‌توان برای آن پیشینه‌ای در غزوه‌های رسول خدا ﷺ نیز باز یافت.^۴ برای تبیین هرچه بیشتر این موضوع، لازم است که بخش‌های ذیل بررسی شود.

۱-۱-۲. معناشناسی و ارتباط با مهدی

این لقب، شکل مفعولی از واژه «نصر» به معنای یاری و تأیید است؛^۵ چنان که در قرآن نیز در همین معنای لغوی انعکاس یافته است؛^۶ اما این، تمام ماجرا نیست؛ چراکه واژه

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۴۴؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۶۸.
۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۶، ص ۳۹۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۰ و ۲۳؛ ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۶، ص ۲۳۳.
۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۸، ۷۲ و ۴۰۷؛ همان، ج ۲، ص ۶۴۴؛ همان، ج ۳، ص ۱۱۲۳؛ ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۲۹۴ و ۳۳۳؛ ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰، ۸۱ و ۱۴۷.
۵. ابن‌درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۴۴.
۶. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.» (اسراء، آیه ۳۳)

منصور با مهدویت و تا حدی غیب‌گویی درآمیخته و در آن زمان به معنای شخصی است که خدای تعالی برای به‌دست‌آوردن پیروزی، یاری‌اش می‌کند؛^۱ چنان‌که این لقب با کارکردهایی به همین مضمون، در کتاب‌های مقدس یهودیان^۲ و مسیحیان^۳ و حتی هندویان^۴ نیز به کار رفته است.

بایسته گفتن است که واژه «منصور» با مهدی موعود ارتباطی مستحکم دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی از روایات، مهدی با وصف «منصور بالرعب» یاری‌شده با القای رعب در دل دشمنان^۵ و یا با عنوان و لقب کلی «منصور»^۶ به کار رفته است. در برخی از ادعیه نیز از این واژه برای اشاره به منجی موعود استفاده می‌شود^۷ و حتی در بعضی گزارش‌ها منصور و مهدی، یکی پنداشته شده است؛^۸ چنان‌که رویارویی او با سفیانی^۹ — به عنوان یکی از علایم ظهور مهدی^{۱۰} — و یا فرار مهدی و منصور از چنگال او^{۱۱} نیز می‌تواند به این

۱. فاروق عمر، «فرهنگ مهدویت در لقب‌های خلفای عباسی»، ترجمه: غلامحسین محرمی، مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۱، ص ۱۵۷.

۲. کتاب زکریا، اصحاح ۹، ۹.

۳. انجیل متی، ۲۱، ۵.

۴. صادقی تهرانی، بشارات عهدین، ص ۲۱۳.

۵. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ص ۴۶۳؛ اربلی، کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۵۳۴.

۶. فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰.

۷. به عنوان نمونه:

— «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ.»

(ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۷۷؛ طوسی، مصباح‌المتجهد، ج ۲، ص ۷۷۴)

— «وَأَرْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ اجْعَلْنَا مَعَهُ وَ تَحْتَ رَأْيَتِهِ شُهَدَاءَ صِدِّيقِينَ

فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَيَّ نُصْرَةَ دِينِكَ.» (طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۷)

۸. ابن‌حماد، الفتن، ص ۳۱۷.

۹. همان، ص ۱۴۷، ۱۹۹ و ۲۰۹.

۱۰. برای اطلاعات بیشتر در مورد ظهور سفیانی به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور، ن.ک: صادقی، تحلیل

تاریخی نشانه‌های ظهور، ص ۲۰۲-۲۰۴.

۱۱. عبیاشی، تفسیر‌العبیاشی، ج ۱، ص ۶۴؛ ابن‌حماد، الفتن، ص ۲۱۲.

مجموعه اضافه شود. با توجه به آنچه گفته شد، روشن می‌گردد که منصور، صرفاً لقبی تشریفی برای تمجید از یک رهبر نظامی نیست و بعدها بار معنایی ویژه‌ای در حوزه موعودگرایی می‌یابد.

۲-۱-۲. خلافت منصور و مهدی

آنچه بر اهمیت و کارکردهای این واژه در مباحث مرتبط با مهدویت می‌افزاید، روایاتی است که پیرامون به‌خلافت‌رسیدن پادشاهانی با نام‌های: سفاح، منصور و مهدی به ثبت رسیده است؛ هرچند شاید در ابتدا به نظر آید که این گزارش‌ها از سوی عباسیان جعل شده است؛ زیرا این روایات، عمدتاً توسط ابن عباس (م ۶۸ق) به صورت مستقیم^۱ و یا به نقل از ام فضل (م ۳۳ق) همسر عباس (م ۳۳ق)^۲، از رسول خدا ﷺ روایت شده است و گزارش‌های متعددی نیز پیرامون پیش‌بینی ابن عباس از خلافت: سفاح، منصور و مهدی از سوی سعید بن جبیر^۳ (م ۹۵) و یا خود عباسیان^۴ و دیگران^۵ به ثبت رسیده است. به همین رو، برخی چنین می‌پندارند که این احادیث، ساخته عباسیان است.^۶

۱. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۴؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۲۸۰ و ۳۰۲.
۲. طبرانی، معجم الاوسط، ج ۹، ص ۱۰۱؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۵؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۳۵۱ - ۳۵۲.
۳. ابن حماد، الفتن، ص ۶۰، ۶۱ و ۳۰۸؛ ابن قتیبه، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۰۴؛ دانی، سنن دانی، ج ۵، ص ۹۵۶؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۴؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۸۵؛ همان، ج ۳، ص ۹ - ۱۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ همان، ج ۵۳، ص ۴۱۵.
۴. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۲۸۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۵۰ - ۵۱.
۵. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۰۵۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۵۸.
۶. برای نمونه، ن.ک: فقهی‌زاده و صادقی، «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، مجله مشرق موعود، ش ۲۹، ص ۱۳۸ - ۱۴۲.

اما روایاتی نیز از سوی کعب الأحبار (م ۳۴ق)^۱ و عبدالله بن عمرو بن عاص (م ۶۳ تا ۷۳ق)^۲ و ابوسعید خدری (م ۷۴ق)^۳ به ثبت رسیده است که قضاوت را در این زمینه مشکل می‌کند. بنابراین، بعضی بر این باورند که عباسیان، از میراث حدیثی موجود به نفع خود استفاده کردند و خود، مخترع این روایات نیستند.^۴ احادیثی که بعضاً برای مهدی و منصور، وظایفی چون عدالت‌گستری و شکست دشمنان^۵ ترسیم کرده و در مقابل، برخی روایات، مهدی از فرزندان عباس را متفاوت با مهدی موعود می‌داند.^۶ در هر حال، شاید نتوان کل این گزارش‌ها را از ابداعات عباسیان نامید و به نظر می‌رسد که آن‌ها تلاش کرده‌اند این پیش‌بینی‌ها را به نفع خود مصادره کنند؛ زیرا گزارش‌هایی مبنی بر هاشمی‌بودن منصور^۷ در دست است و حتی از اهل بیت (ع) احادیثی رسیده است که منصور، از میان خود ایشان است؛^۸ چنان‌که پاره‌ای از روایات، مصداق منصور^۹ و یا با اختلافی اندک، یعنی منتصر^{۱۰} را امام حسین (ع) پس از رجعت می‌داند.

۱. ابن‌حماد، الفتن، ۷۵، ص ۴۷۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۸۵؛ ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۴۱۵.
۲. ابن‌حماد، الفتن، ص ۷۱؛ ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۶۵، ص ۴۰۸ و ۴۰۹.
۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۰۷؛ ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.
۴. برای نمونه، ن.ک: معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۲۳۴ - ۲۳۵.
۵. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۰۵۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۰۷؛ ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۳۰۱ - ۳۰۲.
۶. طبرانی، معجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۹۷.
۷. ابن‌حماد، الفتن، ص ۷۴.
۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۹۱.
۹. «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ الْأَرْضَ... ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَنْصُورُ إِلَى الدُّنْيَا فَيَطْلُبُ دَمَهُ وَدَمَ أَصْحَابِهِ... فَإِذَا اشْتَدَّ الْبَلَاءُ عَلَيْهِ مَاتَ الْمُنْتَصِرُ وَخَرَجَ السَّفَاحُ إِلَى الدُّنْيَا غَضَبًا لِلْمُنْتَصِرِ... ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يَا جَابِرُ وَهَلْ تَدْرِي مَنِ الْمُنْتَصِرُ وَالسَّفَاحُ يَا جَابِرُ الْمُنْتَصِرُ الْحُسَيْنُ وَالسَّفَاحُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ۳۲۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۴۸)
۱۰. «عَمْرُوبِن تَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعْدَ مَوْتِهِ ثَلَاثَ

۲-۱-۳. منصور و زیدیه

به هرروی، اهمیت منصور، چه به عنوان یکی از یاران مهدی^۱ و یا حاکمی قبل از او^۲ و یا جانشین مهدی^۳ می‌تواند جواب این سؤال را روشن کند که چرا کوفیان از زید در مورد همخوانی‌اش با منصور وعده داده‌شده پرسیدند؛ کسی که قرار است بساط امویان را در هم بپیچد و هلاکت بنی‌امیه را به ارمغان بیاورد.^۴

چنان‌که ارتباط منصور با یمن^۵ نیز قابل توجه است که برخی آن را به جهت جلب حمایت یمنی‌ها برای شرکت در قیام عباسی می‌دانند^۶ و شاید با توجه به ارتباط یمن و زیدیه در سال‌های بعد،^۷ چنین تعبیری بی‌ارتباط با آنان نباشد؛ زیرا برخی، یمنی^۸ را از نسل زید می‌دانند که در صنعاء به پا می‌خیزد.^۹ گزارش‌هایی نیز پیرامون ظهور مهدی از

مِائَةِ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا... ثُمَّ يَخْرُجُ الْمُنتَصِرُ إِلَى الدُّنْيَا... فَإِذَا اشْتَدَّ الْبَلَاءُ عَلَيْهِ وَ قُتِلَ الْمُنتَصِرُ خَرَجَ السَّفَاحُ إِلَى الدُّنْيَا غَضَبًا لِلْمُنْتَصِرِ فَيَقْتُلُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنَا وَ هَلْ تَدْرِي مَنْ الْمُنتَصِرُ وَ مَنْ السَّفَاحُ يَا جَابِرَ الْمُنتَصِرِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ السَّفَاحُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. «مفید، الاختصاص، ص ۲۵۷ - ۲۵۸»

۱. طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة، ص ۵۷۴.
۲. ابن حماد، الفتن، ص ۷۱؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۵۸.
۳. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۷ - ۲۵۸؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۸ - ۴۷۹.
۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۶؛ ابن‌اعثم، الفتن، ج ۸، ص ۲۸۵.
۵. ابن حماد، الفتن، ص ۷۴ - ۷۵، ۱۹۹، ۲۷۴ و ۲۷۹.
۶. فاروق عمر، «فرهنگ مهدویت در لقب‌های خلفای عباسی»، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.
۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد تعامل زیدیه و یمنیان قبل از آغاز حکومت، ن.ک: یزدانی و جان‌احمدی، «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن»، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۸، ص ۱۱۳ - ۱۳۴.
۸. برای اطلاعات بیشتر در مورد یمنی، ن.ک: مهدوی راد، علیان‌سب و روح‌اللهی، «بررسی تطبیقی روایات یمنی از منظر فریقین»، مجله حدیث پژوهی، ش ۱۲، ص ۲۵ - ۶۴.
۹. معجم احادیث امام مهدی، ج ۲، ص ۵۴.

یمن^۱ به جای مانده است؛ حتی می‌توان اقدام عبدالرحمن بن اشعث (م ۹۵) در نامیدن خود به قحطانی را^۲ که در باره اعراب جنوبی است،^۳ در همین راستا ارزیابی کرد؛ چنان‌که او به جهت پیشگویی‌ها در مورد ارتباط مهدی و قحطانی و فرمانروایی عادلانه او^۴ که نزد مردم شهرت داشت، دست به این اقدام زد.^۵

نکته آخر، احادیث جابر جعفی (م ۱۲۸ق)^۶ از امام باقر علیه السلام پیرامون مباحث آخرالزمانی است و با وجود تشکیک‌ها در احادیث و شخصیت او،^۷ شامل موضوع منصور نیز هست^۸ و با توجه به هم‌عصر بودن امام باقر علیه السلام (۵۷-۱۱۴ق) و زید، گویای حضور چنین مباحثی در میان مسلمانان، به‌خصوص شیعیان است؛ به‌ویژه آنکه برخی، احادیث جابر را بازتاب آمال و آرزوهای شیعه در اواخر دوران اموی می‌دانند.^۹

۱. خزاز، کفایة الأثر، ص ۱۱۲ و ۱۵۰؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۵۲.

۲. مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۳۵.

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد اعراب شمالی و جنوبی، ن.ک: حسینیان مقدم، «مناسبات مکه و مدینه پیش از اسلام در چشم‌انداز روابط قحطانی - عدنانی»، مجله نامه علوم انسانی، ش ۶ و ۷، ص ۴۴ - ۶۷.

۴. برای اطلاع بیشتر، ن.ک: مؤسسه معارف اسلامی، معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۳؛ همان، ج ۲، ص ۵۲ - ۵۶.

۵. مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۲، ص ۱۸۴.

۶. برای اطلاعات بیشتر در باره جابر و داوری‌ها در مورد او، ن.ک: مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ص ۱۲۴ - ۱۴۳؛ صفری فروشانی، «جابر بن یزید جعفی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۹،

۱۸۱ - ۱۸۴؛ طاووسی مسرور، «جابر جعفی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۱۵۴ - ۱۵۸.

۷. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ص ۱۲۴ - ۱۳۱؛ در مقابل: احمدوند و طاووسی مسرور، «جابر بن یزید جعفی و بررسی اتهام غلو در باره وی»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۷، ص ۱ - ۲۴؛ همو، «نقش غالیان در اشتهار تهمت غلو به جابر جعفی»، مجله علوم حدیث، ش ۶۱، ص ۱۴۹ - ۱۷۰.

۸. ابن حماد، الفتن، ص ۱۴۷، ۱۹۹ و ۲۰۹؛ عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۶؛ همان، ج ۲، ص ۳۲۶؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۷ - ۲۵۸؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۸ - ۴۷۹.

۹. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ص ۱۲۵ - ۱۲۶.

شاید بتوان گفت که برخی اگر زید را همان مهدی موعود نمی‌دانستند، دست کم انتظار داشتند که وی منصوری باشد که بر طبق پیش‌بینی‌ها هرگز شکست نمی‌خورد.^۱ بنابراین، اولین باورهای مهدوی پیرامون زید، مصداق‌یابی منصور موعود در شخص زیدبن علی است که او بتواند با توجه به پیش‌بینی‌ها، امویان را شکست دهد.^۲

۲-۲. مهدی باوری زید

زید که به گمان عده‌ای منصور موعود بود، به سرعت و در همان زمان حیات خویش، نامزد تصدی عنوان مهدی شد. برای روشن شدن این مطلب، می‌توان مباحثی را در عناوین ذیل دسته‌بندی نمود:

۱-۲-۲. سنخ‌شناسی

از مباحث شایان توجه، تحلیل سنخ اهتمام به مهدویت زید است. به گمان نگارنده، می‌توان مهدی‌پنداشتن زید را از بسیط‌ترین و ساده‌ترین گونه‌های مهدی‌باوری دانست؛ بدین معنا که به مانند ادعای مهدویت برای دیگر امامان زیدی مانند نفس زکیه، محمدبن قاسم و یحیی‌بن عمر و دیگران، توجهی به علائم ظهور و ویژگی‌های متعدد ظاهری، غیبت و مانند آن وجود ندارد. تنها تأکید پیروان زید، بر فاطمی‌بودن اوست که شاید واکنشی در برابر ادعاهای کیسانیان باشد.^۳ آنان او را برخوردار از صفاتی می‌دانند که پیش از این، به آن اشاره شد. در هر حال، آنچه برای تعقیب‌کنندگان مهدویت زید اهمیت دارد، پیروزی و غلبه بر دستگاه حاکم است. از این رو، در پاسخ پرسش زید مبنی بر اینکه چرا از او در مورد مهدویت می‌پرسند، تبعات و آثار بعدی را خاطر نشان می‌سازند که نمی‌خواهند خانه‌های خود را ویران ببینند.^۴

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۰۷؛ ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۳۲، ص ۳۰۲.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۶؛ ابن‌عثم، الفتوح، ج ۸، ص ۲۸۵.

۳. قاضی، کیسانیه فی التاریخ والأدب، ص ۲۲۰ - ۲۲۴.

۴. مجموع کتب و رسائل زیدبن علی، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدیسی، ص ۳۶۰؛ ابن‌حمزه، العقد الثمین، ج ۱،

بساطت مهدی‌انگاری زید، زمانی وضوح بیشتر می‌یابد که به برخی از ادعاهای کیسانیان در مورد مهدویت محمدبن‌حنفیه و شرایط او در غیبت و عملکرد بعد از ظهور نگاه‌ی بیندازیم.^۱ از این‌رو، می‌توان گفت که یک انتظار کاملاً حدافلی و تنها با کارکردهای سیاسی در مهدویت زید دنبال می‌شود.

۲-۲-۲. واکنش‌یابی

یکی از مسائل چالشی در این بحث، واکاوی واکنش زید در مقابل طرح سؤال از مهدویت خویش است.^۲ منابع زیدی، نفی صریح او را گزارش کرده‌اند^۳ و در خبری دیگر، زید اطرافیان خود را با وجود دعوت به جهاد، از درک مهدی‌نامید می‌سازد؛^۴ اما در عین حال، اشاره‌هایی از وی مبنی بر قائم‌بودن خویش^۵ و یا مبهم‌گذاشتن این مسئله^۶ به ثبت رسیده است که داوری در این زمینه را پیچیده می‌سازد؛ چنان‌که زید با وجود انکار در سؤال از مهدویت خویش، همچنان خویشتن را نامزدی برای حجت خدا در هر صد سال می‌داند^۷ و همان‌گونه که گفته شد، در مورد امید به منصور بودن او نیز واکنشی از سوی رهبر قیام کوفه گزارش نشده است.^۸

۱. برای اطلاع از باورهای کیسانیه در مورد غیبت و رخدادهای پس از ظهور محمدبن‌حنفیه، ن.ک: برادران، *تطور باور به مهدی و مهدویت از دیدگاه کیسانیه*، ص ۸۲ - ۹۶.
۲. *مجموع کتب و رسائل زیدبن‌علی*، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدرسی، ص ۳۶۰؛ ابن‌حمزه، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۷۱.
۳. همان.
۴. *مجموع کتب و رسائل زیدبن‌علی*، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدرسی، ص ۳۸۴؛ ابن‌حمزه، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۷۱.
۵. کنسی، *رجال الکشی*، ص ۳۵۰ - ۳۵۱.
۶. فرات کوفی، *تفسیر فرات کوفی*، ص ۳۵۳ - ۳۵۴؛ *مجموع کتب و رسائل زیدبن‌علی*، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدرسی، ص ۳۶۰؛ ابن‌حمزه، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۷۰.
۷. *مجموع کتب و رسائل زیدبن‌علی*، تحقیق: ابراهیم یحیی‌الدرسی، ص ۳۶۰؛ ابن‌حمزه، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۷۱.
۸. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۱۶۶؛ ابن‌اعثم، *الفتوح*، ج ۸، ص ۲۸۵.

در کل، عده‌ای از پژوهشگران بر این باورند که زید در مورد ادعای مهدویت خویش، با توریه برخورد می‌نمود؛^۱ هرچند برخی از منابع امامی، علاوه بر قراردادن نام زید در سند احادیث اثناعشری،^۲ گفتارهایی از او نقل کرده‌اند که گویای اعتقاد وی به مهدویت امام دوازدهم علیه السلام است.^۳ نویسنده به دنبال اعتقاد و یا عدم باور زید به مهدویت خود نیست و در این بین، تفاوتی مبنی بر نوعی یا شخصی بودن این باور وجود ندارد؛^۴ اما آنچه مهم است، دیدگاه موعودگرایانه برخی از هواداران اوست که یکی از اولین طلیعه‌های آغاز مباحث مهدی‌باوری در میان زیدیان است. این نگاه، در برخی از ائمه زیدیه، به روند تکاملی خود ادامه داد.

۲-۲-۳. پیامدشناسی

زید که به سرعت و برای تحقق وعده پیروزی، نامزد عنوان منصور، صاحب‌الامر^۵ و سپس مهدی شد، با شکست و شهادت، شرایط مهدویت را از دست داد؛ چراکه همان‌گونه که در سنخ باور به مهدویت زید بیان شد، زید چه به عنوان منصور و چه به عنوان مهدی، باید بر دستگاه حاکم غلبه کرده و به ظلم امویان پایان می‌داد؛ اما به سبب عدم موفقیت، بهترین فرصت برای جریان معارض، یعنی امویان فراهم گشت تا بتوانند اندیشه مهدویت زید را به سخره بگیرند.^۶

۱. عسکری، نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. خزاز، کفایة الأئمة، ص ۱۹۳-۱۹۴، ۲۳۸ و ۳۰۲-۳۰۳.

۳. همان، ص ۲۹۸-۳۰۱، ۳۰۴ و ۳۱۰.

۴. موسوی نژاد و موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زیدبن‌علی»، ص ۱۰۳-۱۱۲؛ خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹، ص ۶۰.

۵. خزاز، کفایة الأئمة، ص ۳۱۱.

۶. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۳۲؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۰۷.

همچنان که نمایش پیکر بی‌جان زید بر بالای دار و به مدتی طولانی،^۱ خط پایانی برای مهدی‌انگاشتن زید تلقی می‌شود. از این رو، به مانند مرگ مخفی دیگر امام زیدی، یعنی محمدبن قاسم^۲ و اعتقاد به غیبت طولانی مدت او،^۳ تداومی برای مهدویت زید در قالب غیبت مشاهده نمی‌گردد. شاید به سبب عمر کوتاه مهدی‌انگاری زید نیز واکنشی از سوی جریان‌های درونی و برونی شیعه به این مسئله مشاهده نمی‌شود؛ ولی در هر حال، نویسنده بر این باور است که مهدی‌پنداری زید از سوی برخی از هوادارانش، بستری برای ایجاد باورهای مهدوی در میان زیدیان فراهم کرد که با بسط بیشتر و جزئیات فزون‌تر به این مسئله بپردازند.

نتیجه

نتیجه این نوشتار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در مهدی‌انگاری زید نمی‌توان نقش بستر مناسب زمانی و مکانی و همچنین، برخورداری او از برخی مؤلفه‌های مهدوی را فراموش کرد که این موارد، سبب شد تا در نگاه برخی، زید عنوان منصور و سپس مهدی به خود بگیرد.
۲. اولین واکنش‌ها در مورد مهدویت زید را می‌توان در منصور انگاشتن او ملاحظه کرد؛ واژه‌ای که علاوه بر پیشینه در صدر اسلام و حتی پیش از اسلام، به مفهومی بدل شده است که کاملاً رنگ آینده‌بینی داشته و به عنصری شکست‌ناپذیر و منجی همیشه‌پیروز با تأییدات خاص خداوند اطلاق می‌شود.

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۵۰؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۵۵ - ۲۵۷؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۹.

۲. در باره محمدبن قاسم و مرگ مشکوک او، ن.ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۷ - ۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۱ - ۴۷۲؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۴ - ۴۶۵؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۴ - ۴۷۳.

۳. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۵.

۳. اطلاق مهدی بر زید، صرف نظر از واکنش نه چندان روشن زید، به خوبی می‌تواند گویای وضعیت نابسامان شیعیان در آن زمان باشد که به دنبال موعودی عدالت‌گستر هستند و با توجه به اطلاق مهدی بر آن در میراث نبوی، زید را شایسته چنین عنوانی می‌دانند.

۴. مهدویت زید در هر شکلی، اعم از شخصی و یا نوعی، مفهومی بسیط دارد و قیام او در هنگامه ستم فراگیر امویان به همراه فاطمی‌بودن و کنیززادگی، مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده باور به مهدویت او هستند؛ چنان‌که شکست و به دار آویختن پیکر مطهرش، به سرعت کوفیان و هواداران او را از اشتباه در تطبیق باخبر می‌سازد؛ چراکه اساسی‌ترین ویژگی منصور و مهدی از نظر آنان، عدم تجربه شکست تا رسیدن به حکومت و برقراری عدلی فراگیر است.

۵. ادعای مهدویت برای زید، هرچند نتوانست در سرنوشت قیام او تغییری ایجاد کند، اما مهم‌ترین کارکرد آن را می‌توان در بسترسازی برای ورود اندیشه مهدویت در میان زیدیه و بارورسازی آن در قیام‌های دیگر دید.

منابع

١. قرآن کریم.
٢. عهدین.
٣. ابن ابی شیبہ عبسی، عبدالله بن محمد، المصنف لابن ابی شیبہ، تحقیق: اسامة بن ابراهيم بن محمد، قاهره: فاروق الحديثة للطباعة والنشر، ٢٠٠٧م.
٤. ابن اعثم كوفي، ابو محمد احمد، الفتوح، بيروت: دار الاضواء، ١٩٩١م.
٥. ابن حماد، ابو عبدالله نعيم، الفتن، تحقيق: مجدى بن منصور شورى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٣ق.
٦. ابن حمزه، منصور بالله عبدالله بن حمزة بن سليمان، العقد الثمين فى تبیین أحكام الأئمة الهادين، صعدة: مركز أهل البيت للإسلامية، ٢٠٠٠م.
٧. ابن حنبل، احمد بن محمود، مسند الإمام احمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٩٧م.
٨. ابن دريد، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بيروت: دار العلم للملايين، [بى تا].
٩. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع، طبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٩٠م.
١٠. ابن عساکر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
١١. ابن فقيه، احمد بن محمد بن اسحاق، البلدان، بيروت: عالم الكتب، ١٩٩٦م.
١٢. ابن قتيبة، ابى محمد عبدالله بن مسلم، عيون الأخبار لابن قتيبة، قم: منشورات شريف رضى، ١٣٧٣ش.
١٣. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، نجف اشرف: دار المرتضوية، ١٣٥٦.
١٤. ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، بيروت: دار الفكر، ٢٠٠٨م.
١٥. ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبوية، بيروت: دار المعرفة، [بى تا].
١٦. ابوزهره، محمد، الإمام زيد حياته وعصره آرائه و فقهه، قاهرة: دار الفكر العربى، [بى تا].

۱۷. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر، ۲۰۰۷ م.
۱۸. ابی یعلی الموصلی، أحمد بن علی، مسند ابی یعلی، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۹۸۴ م.
۱۹. احمدوند، عباس و سعید طاووسی مسرور، «جابر بن یزید جعفی و بررسی اتهام غلو در باره وی»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی، ش هفتم، بهار ۱۳۹۰.
۲۰. —، «نقش غالیان در اشتهار تهمت غلو به جابر جعفی»، مجله علوم حدیث، ش ۶۱، پاییز ۱۳۹۰.
۲۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۲۲. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، تحقیق: محمد جواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
۲۳. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، ویسبادن (آلمان): فرانس شتاینر، ۱۴۰۰ ق.
۲۴. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۲۵. اعتصامی، عبدالمجید، «زید بن علی بن الحسین علیه السلام و مسئله امامت»، مجله امامت پژوهی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۹۲.
۲۶. امین، سید محسن، ابوالحسین زید الشہید، قم: کرمانی، [بی تا].
۲۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، جامع الصحیح المختصر، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۸۷ م.
۲۸. بختیاری، شهلا، «عملکرد عباسیان در قبال قیام‌های ضد اموی زید و یحیی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء علیها السلام، ش ۶۵، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۲۹. برادران، رضا، «تطور باور به مهدی و مهدویت از دیدگاه کیسانیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۲ ش.

۳۰. بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم*، بیروت: دار الجیل - دار الآفاق، ۱۴۰۸ق.
۳۱. بلاذری، احمد بن یحیی، *کتاب جمل من انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۶م.
۳۲. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۲م.
۳۳. تمیمی، رافد، *زیدبن‌علی علی‌علیه السلام*، قم: مرکز الابحاث الاعتقادیه، [بی تا].
۳۴. جاودان، محمد، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۳۵. جرافی صنعانی، عبدالله، «زیدبن‌علی»، مجله رساله الاسلام، ش دوم، جمادی الثانی ۱۳۶۸ق.
۳۶. حاتم، نوری، *زیدبن‌علی و مشروعیة الثورة عند اهل‌البيت*، بیروت: الغدیر، ۱۹۹۵م.
۳۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: حمدی الدمرداش محمد، بیروت: مکتبه العصریة، ۲۰۰۶م.
۳۸. حسینیان مقدم، حسین، «مناسبات مکه و مدینه پیش از اسلام در چشم‌انداز روابط قحطانی - عدنانی»، مجله نامه علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۱ش.
۳۹. حمیری، ابو سعید بن نشوان، *الحوار العین*، تحقیق و تعلیق: کمال مصطفی، تهران: اعادات، ۱۹۷۲م.
۴۰. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۲. خلیلی، زهرا، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ش.
۴۳. خیرالله، زعیم، «فرقه زیدیه و ارتباط آنها با زیدبن‌علی علی‌علیه السلام»، ترجمه: علیرضا اسعدی و عبدالکاظم کاظمی، مجله معرفت، ش ۸۶، ۱۳۸۳.

۴۴. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن وغواتلها والساعة وأشراتها، تحقیق: ضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، ریاض: دار العاصمة، ۱۴۱۶ق.
۴۵. رجبی، سید صفر، «زید بن علی بن الحسین»، مجله مشکوة، ش ۳۱، تابستان ۱۳۷۰ش.
۴۶. رضوی اردکانی، سید ابوفاضل، شخصیت و قیام زید بن علی علیه السلام، قم: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی بنگاه، [بی تا].
۴۷. زید بن علی، مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیر المؤمنین زید بن علی، تحقیق: ابراهیم یحیی الدرسی، صعدة: مرکز اهل البيت علیهم السلام للدراسات الاسلامیة، ۲۰۰۱م.
۴۸. سالم عزان، محمد یحیی، الامام زید بن علی علیه السلام شعلته فی لیل الاستبداد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۷ق.
۴۹. شریف القرشی، باقر، حیاة الشہید الخالد زید بن علی علیه السلام، قم: نشر ماهر، ۱۴۲۹ق.
۵۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، تحقیق: محمد بدران، قم: شریف رضی، سوم، ۱۳۶۴.
۵۱. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، تهران: شکرانه، ۱۳۹۲.
۵۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۵۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۵۴. صفری فروشانی، نعمت الله، «جابر بن یزید جعفی»، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴.
۵۵. طاووسی مسرور، سعید، «جابر جعفی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۵۶. طبرانی، سلیمان بن أحمد، معجم الاوسط، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، قاهرة: دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۵۸. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق: احمد محمودی، قم: کوشان پور، ۱۴۱۵ق.

۵۹. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوک)*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، دوم، ۱۹۶۷م.
۶۰. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الإمامة*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۶۱. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة للحجة*، تحقیق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۶۲. —، *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۶۳. —، *مصباح المتهدد وسلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۶۴. عسکری، سید مرتضی، *نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین*، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر، ۱۳۸۶.
۶۵. عمر، فاروق، «فرهنگ مهدویت در لقب‌های خلفای عباسی»، ترجمه: غلامحسن محرمی، *مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۱، بهار ۱۳۸۳.
۶۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۶۷. فرجامی، اعظم، «زید بن علی به روایت عمرو بن خالد در منابع امامی»، *مجله آینه پژوهش*، ش ۱۳۵ و ۱۳۶، مرداد و آبان ۱۳۹۱.
۶۸. فرمانیان، مهدی، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، *مجموعه مقالات گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۶۹. فقهی‌زاده، عبدالهادی و سید جعفر صادقی، «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، *مجله مشرق موعود*، ش ۲۹، ۱۳۹۳.
۷۰. قاریان، حسین، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، *پایان‌نامه سطح ۳*، قم: حوزه علمیه، ۱۳۹۵.
۷۱. قاضی، وداد، *الکیسانیة فی التاریخ والأدب*، بیروت: دار الثقافة، ۱۹۷۴م.
۷۲. قزوینی، محمد کاظم، *الإمام المهدی علیهما السلام من المهد الى الظهور*، قم: دار الأنصار، ۱۴۲۷ق.
۷۳. کریمان، حسین، *سیره و قیام زید بن علی علیهما السلام*، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.

۷۴. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی؛ إختيار معرفة الرجال، تحقیق: مهدی رجایی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۷۶. کمساری، عباس، «زید بن علی بن الحسین علیه السلام شهید قرآنی»، مجله مبلغان، ش ۱۶۰، دی ماه ۱۳۹۱.
۷۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر الفرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
۷۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۹. مجهول، أخبار الدولة العباسية وفيه أخبار العباس وولده، تحقیق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، بیروت: دار الطلیعة، ۱۳۹۱ق.
۸۰. محمدی مظفر، محمد حسن، «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی»، مجموعه مقالات گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۸۱. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: اعتماد، ۱۳۸۳.
۸۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۸۳. مظفری ورسی، حیدر، جریان شناسی مهدویت در فرقه های شیعی، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۲.
۸۴. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۵. —، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۶. —، الفصول العشرة فی الغيبة، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۸۷. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء والتاریخ*، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية، [بی‌تا].
۸۸. مؤسسه معارف اسلامی، *معجم احادیث الامام المهدي*، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۶.
۸۹. موسوی مقرر، عبدالرزاق، *زید الشهدی*، قم: شریف الرضی، ۱۳۵۵ق.
۹۰. موسوی‌نژاد، سید علی، «آشنایی با زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۰.
۹۱. —، «مهدویت و فرقه حسینی زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، ش ۲۷، ۱۳۸۴.
۹۲. — و سید ابوالفضل موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زیدبن‌علی»، *مجله انتظار موعود*، ش ۴۸، بهار ۱۳۹۴.
۹۳. مؤیدی، یحیی بن محمد، *الامام زیدبن‌علی علیه السلام قدوة المستبصرین*، صعده: مكتبة الوحدة، [بی‌تا].
۹۴. مهدوی‌راد، محمد علی، *سید ضیاء‌الدین علیان‌سب و حجت روح‌اللهی*، «بررسی تطبیقی روایات یمانی از منظر فریقین»، *مجله حدیث پژوهی*، ش ۱۲، ۱۳۹۳.
۹۵. ناشی‌اکبر، عبدالله، *مسائل الإمامة، تحقیق: علی‌رضا ایمانی*، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.
۹۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة، تحقیق: علی‌اکبر غفاری*، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق.
۹۷. نویختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۴ق.
۹۸. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۹۸۹م.
۹۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۱۰۰. یزدانی، علی و فاطمه جان‌احمدی، «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن»، *مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۸، پاییز ۱۳۹۱.
۱۰۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، [بی‌تا].